



## بررسی مدح علوی در دیوان "بلون الغار بلون الغدير" اثر معروف عبدالمجید

مهین حاجی‌زاده<sup>۱\*</sup>، مسعود باوان‌پوری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

### چکیده

ادبیات از جمله عوامل اساسی در تبلیغ و اشاعه هر دین و آیینی به شمار می‌رود، و ادیبان در هر عصر و دوره‌ای، گاه برای ابراز باورهای دینی و اعتقادی خود از قلم، بیان، عاطفه، احساس و قدرت خیال خود کمک گرفته‌اند، از همین روست که می‌توان میان ادبیات و دین پیوندی قائل شد. شعر شیعی نیز یکی از شاخه‌های مهم و بارز ادبیات به‌شمار می‌آید که از زمان پیدایش آن یعنی صدر اسلام تا به امروز، نقش مهمی در تعبیر و بیان احساسات شاعران نسبت به عقاید مهم مرتبط با شیعه، ایفا نموده است. حضرت علی(ع) یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌هایی است که شاعران و نویسندگان در هر عصر و زمانی و نیز به هر زبان و گویشی به مدح یا رثای ایشان پرداخته‌اند. معروف عبدالمجید، شاعر معاصر مصری، پس از پذیرش مکتب تشیع، بخش عظیمی از دیوان خویش را به مدح و رثای ائمه‌ی اطهار(علیهم‌السلام) اختصاص داده است که امام علی(ع) بیشترین سهم را در این دیوان داراست. شاعر ضمن اشاره به مقام و منزلت امام علی(ع)، به مسائلی مانند غدیر خم، شجاعت و حماسه‌های امام علی(ع)، طلب شفاعت و شهادت آن حضرت اشاره نموده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی ضمن معرفی شخصیت شاعر، مدح علوی را در دیوان وی مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** مدح، امام علی(ع)، معروف عبدالمجید، دیوان "بلون الغار بلون الغدير".

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه کردستان

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. مفهوم‌شناسی مدح

ادبیات مذهبی یکی از گونه‌های ادبی است که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که تقریباً در تمامی زبان‌ها رایج بوده و دارای شاخه‌های متعددی می‌باشد مانند: تحمیدیه (اشعار در حمد و ستایش خدا)، توحیدیه (شعر در بیان یگانگی و وحدانیت خدا)، ستایش ائمه اطهار و خلفا و بزرگان دین و نیز مولودنامه‌ها و معراج‌نامه‌ها که به شرح تولد و معراج پیامبر(ص) پرداخته‌اند.

مدح یکی از ابواب گسترده در شعر عربی است که در دوره اسلامی در پرتو ارزش‌های اسلامی در محتوا و معانی و موضوعات سنتی آن تغییراتی پدید آمد.

مدح در لغت به معنی ستودن و توصیف به نیکویی است، ابن‌منظور در این باره می‌نویسد: "مدح ضدهجا است و به معنی ثنای نیکو و پسندیده می‌باشد" (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ماده مدح). صاحب تاج‌العروس در شرح این واژه می‌نویسد: "این کلمه، مصدر است و به معنی ستودن و اسم مصدر آن "مدحة" به معنی ستایش و جمع آن "مدح" است" (زبیدی، بی‌تا: ماده مدح).

معنای اصطلاحی مدح نیز تقریباً همان معنای لغوی را تکرار می‌کند. جرجانی در این باره می‌گوید: "آن ثنای زبانی و بیان خصلت‌های نیکو با قصد و اراده است" (جرجانی، ۲۰۰۳: ۲۹۷). بنابراین، "مدیح، شعر و چکامه‌ای را گویند که در آن به توصیف و تمجید ممدوح پرداخته، صفات نیکوی او را بیان کنند و جمع آن مدایح است" (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲: ذیل مدح).

## ۱-۲. مدح اسلامی در گستره تاریخ

بعد از اثبات دین اسلام و رحلت پیامبر اکرم، ادبیات متعهد شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) در زمان حیات خود، بسیار به محبت اهل بیت(علیهم‌السلام) سفارش می‌فرمود و در موارد متعدد به فضایل آنها اشاره می‌کرد. تأکید فراوانی که حضرت رسول به مسأله جانشینی و شایستگی حضرت علی(ع) داشت بر هیچ کسی پوشیده نیست. بعد از رحلت پیامبر(ص) اتفاقاتی افتاد که سبب شد ادیبان و شاعران به بیان فضایل اهل بیت و به‌ویژه حضرت علی(ع) روی آورند. شعر متعهد در ابتدای ظهور اسلام ساده و روان بود، بعد از رحلت پیامبر(ص) اتفاقاتی به وقوع پیوست که آرام آرام به پختگی و فخامت معانی اسلامی و مذهبی در شعر متعهد کمک کرد "در سال‌های آغازین عصر اسلام، عاطفه در شعر قوی بود؛ ولی اندیشه و فکر در آن از همه جهات کامل نبود. ارجوزه‌ای که حجرین عدی در جنگ جمل، در مدح حضرت علی(ع) سروده است از این دسته می‌باشد" (سیاحی، ۱۳۸۲: ۳۶).

شاعران به خاطر جایزه‌های مادی، شعر نمی‌سرودند؛ بلکه از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خدای متعال استفاده می‌کردند که البته این امر با توجه به آیه مودت بیشتر مورد توجه بود؛ چنانچه خداوند می‌فرماید: "ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ" (شوری/۲۳).

منظور از القربی در این آیه اهل بیت(ع) می‌باشد. خداوند تعالی در این آیه برخلاف آیاتی که در آن اجر رسالت مطرح شده است - اجری برای رسول خدا(ص) معین کرده و آن مودت نسبت به ذوی القربای آن حضرت است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۶/۱۸). علامه حلی این آیه را با عنوان (آیه المودة) چهارمین آیه‌ای که بر امامت علی(ع) دلالت دارد بیان نموده، و در ذیل آن فرموده است: "جمهور اهل تسنن در صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) و احمدبن حنبل و ثعلبی از ابن عباس روایت کرده‌اند: هنگامی که آیه «قل لا أسئلكم علیه اجراً إلا المودة فی القربی» نازل شد گفتند: ای رسول خدا، خویشاوندانی که دوست داشتن آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند، فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین -علیهم السلام- و وجوب مودت مستلزم وجوب اطاعت است." (حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۵).

اگر بخواهیم به پیشینه این نوع از ادب اشاره کنیم می‌توانیم بگوییم که «اولین بار شاعران شیعه بودند که تعهد را پذیرفتند و ادب متعهد را پی ریختند و ارزشمندترین نوشته‌ها را در هجای دشمنان عتروت و مدح و رثا و حماسه شیعه گفتند» (کافی، ۱۳۸۶: ۸۰). البته این نوع شعر که در نشر مکتب و نفوذ آن و کوبیدن جباران و رسوا ساختن ستمگران نقش اساسی داشت، از سوی پیشوایان دین، بسیار مورد لطف و حمایت قرار می‌گرفت و همین امر یک عامل اساسی در رونق و پیشرفت این نوع شعر - که می‌توان آن را شعر آیینی نامید - در دوره‌های مختلف ادبیات به شمار می‌آید. به‌عنوان مثال می‌توان به حمایت پیامبر اکرم (ص) از حسان و سلاح شعر او در برابر کفار اشاره کرد، پیامبر اکرم در مورد حسان چنین می‌گوید «لاتزال مویداً بروح القدس مانصرتنا بلسانک» (امینی، ۱۹۹۴: ۴۷) (در شأن و منزلت ما بیت شعری گفته نمی‌شود مگر آنکه مؤید به تأیید الهی و روح القدس باشد)؛ یا می‌توان به اهداء برده از جانب امام رضا(ع) به شاعر شیعی معروف عصر عباسی، "دعبل خزاعی" اشاره کرد (الحموی، ۱۹۹۳: ۱۲۸۴/۳) این پاداش جهت سرودن و انشاد قصیده تائیه‌ی دعبل در رثاء اهل بیت(ع) و در محضر امام رضا(ع) بود که به قصیده مدارس آیات نیز شهرت یافت:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تَلَاوَةٍ      وَ مَنَزِلٌ وَحِيٍّ مُقْفَرُ الْعَرَاصَاتِ

بیشتر مضامین شعر متعهد شیعی تا قبل از حادثه کربلا، معطوف به مسأله خلافت بود. در این عصر می‌توان کمیت اسدی را به‌عنوان بارزترین شاعر شیعه نام برد؛ وی در شعر خود و به‌خصوص در قصاید هاشمیات که در مدح اهل بیت است، به مدح خاندان رسالت می‌پردازد و از حق غصب شده آنان دفاع می‌کند و با دشمنان اهل بیت به احتجاج برمی‌خیزد و آنها را هجو می‌کند.

پس از امویان و روی کار آمدن عباسیان، شعر متعهد شیعی، رسالتی سنگین‌تر از قبل به دوش خود دید. اختلاف میان شاعران شیعی و غیرشیعی شدت گرفت. از شاعران برجسته این دوره می‌توان سید حمیری، شریف رضی، دعبل خزائی را نام برد (ضیف، ۱۴۲۷: ۳۲۶-۳۰۵). در میان این شاعران مبالغه نکرده‌ایم اگر بگوییم که سیدحمیری بیشترین مدح را در شعرهایش برای اهل بیت(ع) سروده است.

ابن معتمر در این باره می‌گوید: "سید حمیری تمام فضایل حضرت علی(ع) را به نظم کشیده است" (همان: ۳۱۲).

از دیگر شاعران برجسته شیعه در دوره‌ی عباسیان، شریف رضی است. سید رضی اشعار متعدّد بسیاری در مدح ائمه(ع) و دفاع از حقانیت ایشان سروده است؛ در این اشعار از روح بلندش کمک گرفت و همچنین شمشیری بر آن بر قلب دشمنان فرود می‌آورد (مختاری، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

شعر متعدّد در دوره انحطاط به اوج خود می‌رسد. البته این نوع شعر در دوره انحطاط به صورت شعر متعدّد دینی گسترش یافت، شدت یافتن گرایش به شعر متعدّد در این دوره از طرفی به دلیل رخ دادن جنگ‌های صلیبی بود؛ ما افزایش چشم‌گیری را در سرودن قصیده‌هایی که عاطفه دینی با خود دارد می‌بینیم و ادبیاتی را می‌یابیم که دعوت به جنگ و مبارزه در راه خدا می‌کند. از سوی دیگر بلایای طبیعی، قحطی و مشکلاتی که در دوره انحطاط رخ داد سبب گرایش به شعر دینی شد. اولین کسی که آغازگر شعر مدح پیامبر در دروره انحطاط بود؛ بوصیری است که قصیده معروف خود به نام "برده" را در مدح پیامبر سرود. مطلع قصیده چنین است:

أمن تذکر جیران بذى سلمٍ مزجت دمعاً جرى من مقلة بدمٍ (بوصیری، ۱۳۶۱: ۴۴۰)

شعر متعدّد شیعی به معنای خاص کلمه نیز در این دوره وجود داشته است. صفی‌الدین حلّی از جمله شاعران و دانشمندان دوره انحطاط است که قصیده طولانی در مدح پیامبر و دو قصیده در مدح اهل بیت دارد.

لازم به ذکر است که علامه امینی(ره) در جلد ششم کتاب شریف‌الغدیر، از صفی‌الدین به‌عنوان یکی از شاعران شیعه نام می‌برد و بخشی از شعرهای او را ذکر می‌کند (امینی، ۱۹۹۴: ۵۸).

در دوره معاصر علاوه بر شاعران مسلمان و به‌خصوص شیعیان، شاعران غیرمسلمان هم در مدح اهل بیت شعر سروده‌اند و شاید بتوان گفت در برخی موارد گوی سبقت را نیز از مسلمانان ربوده‌اند. از بین این شعرا می‌توان از بولس سلامه و عبدالملک انطاکی نام برد که دو شاعر مسیحی هستند، ولی در مدح اهل بیت، شعرهای زیبا و عمیقی دارند، قصیده علویه مبارکه انطاکی، قصیده بلندی در مدح اهل بیت است که از شهرت زیادی برخوردار است و همچنین ملحمه عید غدیر از بولس سلامه، نیز قصیده‌ای بلند است که شامل ۳۰۸۵ بیت می‌باشد که هم در مدح اهل بیت(ع) و هم در ذکر واقعه غدیر است.

در دوران معاصر، با توجه به ظهور استعمار جدید و فشار امپریالیسم بر مکتب تشیع و به تبع آن آغاز بیداری اسلامی در کشورهای مختلف، شعر شیعی رونق خاص خود را پیدا کرده است و شاعران زیادی در نقاط مختلف جهان، به دفاع از آرمان‌های این مکتب و ترسیم مظلومیت شیعه و پیشوایان آن با سلاح شعر برخاستند؛ از جمله این شاعران که دوستدار علی(ع) و اولادش بود و به شرح مناقب، فضیلت‌ها و شرح زندگی آنان به تفصیل پرداخته شاعر معروف عبدالمجید، شاعر شیعه شده‌ی مصری است.

مقاله‌ی حاضر می‌کوشد با بررسی دیوان "بلون الغار بلون الغدير" این شاعر معاصر مصری پرتوی از زندگی حضرت علی(ع) را به تصویر بکشد و ابیاتی را که متحلی به ذکر مناقب امام علی(ع) است استخراج کرده و به بررسی و تبیین آن پردازد. این اشعار براساس واقعیت و به دور از غلوه‌های شاعرانه، ساده و بدون تکلف است و همانطور که گفته‌اند: "هرچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند"، هر فردی با یک بار خواندن اشعار وی می‌تواند با تاریخ حیات حضرت علی(ع) و منزلت ایشان در نزد رسول خدا(ص) آشنا شود، گرچه شاعر در جاهایی حتی وارد مسائل جزئی‌تر شده اما متناسب ظرفیت این نوشته تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود.

درباره پیشینه این پژوهش می‌توان گفت در زمینه شعر شیعی و مدح اهل‌بیت در دیوان شعرا، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما با گشتی در مجلات علمی و نیز سایت‌های معتبر، پژوهشی درباره مدح علوی در اشعار این شاعر و به‌ویژه دیوان "بلون الغار بلون الغدير" وی یافت نشد؛ از این‌روی، لزوم بررسی شعر این شاعر شیعی که از دید پژوهشگران عرصه شعر آیینی مهجور مانده است، ضرورت این پژوهش را ایجاب می‌کند.

## ۲. زندگی‌نامه شاعر

معروف عبدالمجید، شاعر شیعه شده‌ی مصری، به سال ۱۹۵۲ میلادی، در خانواده‌ای شافعی مذهب، در استان قلیوبیه مصر به دنیا آمد. تحصیلاتش را در دانشگاه الازهر و در رشته زبان و ادبیات سامی به پایان برد. سپس در دانشگاه رم ایتالیا و در رشته کتیبه‌های سامی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن به تحصیل در رشته آثار باستانی روم و یونان باستان در دانشگاه‌های زوریخ سوئیس و گوتینگ آلمان پرداخت و از این دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شد. معروف عبدالمجید، علاوه بر تسلط کامل بر زبان و ادبیات عرب، به چند زبان زنده دنیا آشنایی کامل دارد. وی در سال ۱۹۸۴ میلادی و پس از چند سال مطالعه و تحقیق و جست‌وجو مستبصر شده، به مذهب اهل بیت «ع» گروید (عربی، ۱۳۹۲).

وی در دیوان خویش "بلون الغار، بلون الغدير" ضمن بیان شیعه بودنش، در قصائد فراوانی به بیان خصال و مناقب حضرت علی(ع) پرداخته و ارادت خاص خویش به ایشان را در منصفی ظهور نهاده است. در مدح امام علی(ع) آورده است:

فإذا مدحت، فمدحتی مبتورة أن لم تكن مقرونة بتشيعی (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۲۳)

در مدح امام رضا(ع) گفته است:

إليك أتيتُ شيعياً لأرفع عندك التوبة (همان: ۶۶)

این شاعر همچنین زندگی در محیط شیعه‌پرور ایران و شهر مقدس قم را تجربه کرده است و چه بسا این دو عامل خود از دلایل مهم اهتمام شاعر به مدح اهل‌بیت و به‌ویژه علی(ع) بوده است.

### ۳. سیمای امام علی(ع) در شعر معروف عبدالمجید<sup>۱</sup>

تاریخ از آغاز تاکنون، سرشار از مدایح و مراثی است که به صورت شعر و نثر و با زبان و لهجه‌های گوناگون در شأن و منزلت امام علی(ع)، مولای متقیان، سروده شده است که این امر بیش از هر چیز بیانگر عشق و علاقه‌ی مردم به این شخصیت بی‌نظیر و بزرگوار است. ترغیب و تشویق ائمه معصوم(ع) نیز مزید بر این امر گشته است؛ امام صادق(ع) فرمودند: "در شأن و منزلت ما بیت شعری گفته نمی‌شود مگر آن که مؤید به تأیید الهی و روح القدس باشد" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۶/۲۹۱).

شاعران علوی در پهنه‌ی جهان با هر کیش و آئینی و ملیتی از امام علی(ع) سخن گفته‌اند و با ذکر خصال و مناقب ایشان، نام و آوازه‌ی ایشان را در جای‌جای این کره‌ی پهناور خاکی گسترانده‌اند. برشمردن صفات امام علی(ع)، کاری است بس دشوار و دست نایافتنی، چرا که ایشان مصداق بارز تمام صفات حسنه و خصال ستوده‌اند و شاید گویاترین شاهد در این باب حدیث پیامبر(ص) باشد که فرموده‌اند: "من أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عَمَلِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي تَقْوَاهُ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حَمَلِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ وَ إِلَى فَيِّ عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)" (همان: ۳۹/۳۵).

#### ۱-۳. ولادت در کعبه

بنابر نوشته مورخین ولادت علی(ع) در روز جمعه ۱۳ رجب در سال سی‌ام عام الفیل، به طرز عجیب و بی‌سابقه‌ای در درون کعبه یعنی خانه خدا بوقوع پیوست. پدر آن حضرت، ابوطالب فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف و مادرش هم فاطمه دختر اسدبن هاشم بود. بنابراین علی(ع) از هر دو طرف هاشمی نسب است. تولد در کعبه افتخار منحصر به فردی است که بر هیچ یک از عموم بشر چه در گذشته و چه آینده به دست نیامده است (کمپانی، ۱۳۷۶: ۳-۵) و تنها کسی که مولود کعبه می‌باشد، شایسته است که مقتدا گردد و در واقع خداوند با این عمل به مردم فهماننده است که قبله‌ی واقعی و پناه حقیقی، علی بن ابی‌طالب(ع) و اولاد معصوم او هستند زیرا چنین کرامتی برای دیگران نبوده و نخواهد بود (جعفری، ۱۳۸۰: ۶۵).

شاعر نیز معتقد است امام علی(ع) اولین و تنها کسی است که در کعبه به دنیا آمد و این مسأله یک نوع اعجاز و کرامت برای حضرت امیرمؤمنان بوده و افتخاری است که شاعر در شعر خویش بدان اشاره نموده است:

مولود بیت الله، جاء يحفه نور الإمامة و التقى من أربع (۱۸)

او مولود خانه‌ی خداست، آمد در حالی که نور امامت و پرهیزگاری از چهار جهت او را در برگرفت.

۱. لازم به ذکر است به جهت پرهیز از اطاله کلام و ذکر مداوم منبع (دیوان شاعر) تنها به ذکر صفحات موردنظر اکتفا شده و نیز سعی شده است ترجمه هر بیت در زیر آن با فونت متفاوت ذکر شود.

یا کعبه المیلاد تیهی و افخری

هذا الوليد به الكمال مکمل (۲۷)

ای کعبه! به خود بناز و افتخار کن این کودکی است که کمال به واسطه‌ی او تکمیل می‌شود. شاعر ضمن اشاره به این که در کعبه به دنیا آمدن، فیضی بزرگ بود که نصیب علی(ع) شد، معتقد است که این مسأله تجلیل برای محل تولد او نیز شمرده می‌شود؛ لذا از کعبه می‌خواهد که به خود ببالد و افتخار کند. و این خود گویای مقام و منزلت بالای آن حضرت می‌باشد.

### ۲-۳. اسلام آوردن علی(ع)

شیعه و سنی متفقند که پیشی گرفتن و سبقت گرفتن حضرت علی(ع) از دیگران در اجابت دعوت رسول خدا(ص) در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف و پذیرفتن اسلام بزرگ‌ترین فضیلت ایشان است. در این باره روایت‌های مختلفی از شیعه و سنی متواتر است. تنها بیش از یک‌صد حدیث از طریق اهل سنت روایت شده که مرحوم علامه امینی آنها را در کتاب شریف «الغدیر» به طریق‌های مختلف از رسول خدا(ص) و امیر المؤمنین(ع) و سایر صحابه رسول خدا(ص) نقل کرده است. ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه از جماعتی از صحابه رسول خدا(ص) مانند ابن‌عباس و جابر و اسماء بنت عمیس و ام‌ایمن و دیگران نقل کرده که رسول خدا(ص) در داستان ازدواج علی و فاطمه علیهما‌السلام به دخترش فاطمه فرمود: "زوجتک اقدم الامة اسلاما" (امینی، ۱۹۹۴: ۲۲۰/۳-۲۲۱). تو را به همسری کسی درآوردم که از همه امت در اسلام مقدم است. و در بیش از هفت کتاب از کتاب‌های معتبر ایشان مانند مستدرک حاکم و کامل ابن‌اثیر و مجمع‌الزوائد هیثمی و استیعاب و غیره به سندهای خود از زید بن‌ارقم روایت کرده‌اند که گفته است: "اول من آمن بالله بعد رسول الله (ص) علی بن ابیطالب" و یا به این تعبیر که گوید: «اول من صلی مع رسول الله(ص) علی» (همان: ۲۲۵/۳).

شاعر نیز ضمن اشاره به این مطلب که علی(ع) اولین کسی است که اسلام آورد معتقد است او هرگز هیچ بتی را عبادت نکرد:

هو من بمكة كان أول مسلم للآت أو لمناة لَمَا يركع (۱۸)

ایشان کسی است که در مکه اولین مسلمان بود و برای لات و منات رکوع نکرد. شاعر بیان می‌کند که علی(ع) بعد از شیرخوارگی در کنار پیامبر(ص) بوده و با آشکار شدن دعوت پیامبر(ص)، آن را پذیرفته است. وی سخن برخی را مبنی بر این که علی(ع) در هنگام پذیرش اسلام کودک بوده، نمی‌پذیرد:

حتى إذا فطم الرضيع وجدته  
فإذا أتى أمر السماء محمداً  
قالوا: صبئي، قلت: أهدى قوميه  
و قيل: ثان، قلت: كلاً، أول ... (۲۷)  
قد شب من نبع النبوة ينهل  
صدع الفتى، وأقر: أنى أقبل

آن‌گاه که از شیر گرفته شد او را دیدی که رشد یافت و از سر چشمه‌ی نبوی سیراب گشت.  
 آن‌گاه که امر آسمانی بر محمد (ص) نازل شد، او قصد کرده و اعلام کرد: من می‌پذیرم.  
 گفتند: کودک است، گفتیم: هدایت یافته‌ترین فرد قومش بود و گفته شد: او دومی است، گفتیم: هرگز،  
 اولی است.

شاعر در بیت اول و دوم به این نکته اشاره دارد که امام علی(ع) در منزل رسول اکرم(ص) و تحت تربیت ایشان رشد نموده و پیامبر اکرم(ص) در تربیت ایشان نهایت اهتمام را داشته است. حال چطور ممکن است کسی در اسلام آوردن بر علی(ع) سبقت گیرد با آنکه او بیشترین ارتباط و سنخیت را با نبی(ص) داشته و پیامبر در رساندن هیچ خبری بر او کوتاهی ننموده است. و بدین ترتیب علی(ع) در تمام موارد با رسول خدا(ص) بود تا هنگامی که آن بزرگوار به رسالت مبعوث شد پس علی به او ایمان آورد و نبوتش را تصدیق کرده پیروی او را بر خود لازم شمرد.

به نظر می‌رسد که شاعر در بیت سوم(مصرع اول) به عقیده عثمانیه اشاره دارد که در مورد ایمان امیرالمؤمنین کم سنی آن حضرت را عیب شمرده و گفته‌اند: وی در آن زمان بالغ نبوده و در نتیجه ایمان او از روی شناخت صحیح انجام نگرفته است و به این طریق خواسته‌اند در این فضیلت بزرگ که مخصوص علی(ع) بوده خدشه وارد کرده و سن آن حضرت را در آن روز که برخی گفته‌اند کمتر از حد بلوغ بوده است سبب نقص و در نتیجه کاسته شدن اهمیت فضیلت به حساب آورند. در حالی که طبق روایات معتبر "علی بن ابیطالب به هنگام ایمان آوردن پانزده ساله یا شانزده ساله بود" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۰/۳۷).

شاعر به صراحت اعلام می‌کند که ایمان علی(ع) یک ایمان صحیح و پای بر جا بوده؛ بلکه او هدایت یافته‌ترین فرد قومش بوده است.

در مصرع دوم شاعر به مخالفت با کسانی که افرادی همانند ابوبکر و یا زید بن حارثه را در پذیرش اسلام مقدم بر علی(ع) علیه السلام دانسته‌اند برخاسته و با قاطعیت اعلام می‌کند که علی(ع) نخستین ایمان آورنده است.

### ۳-۳. ازدواج حضرت علی(ع) با حضرت زهرا(س)

پیامبر(ص) فرمودند: "اگر علی(ع) پسر ابی طالب خلق نمی‌شد کفوی برای فاطمه پیدا نمی‌شد" (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۸۱/۲) ازدواج علی(ع) و فاطمه زهرا(س) اگر با سادگی هر چه تمام‌تر بر فرش خاکی زمین به وقوع پیوست اما در عرش اعلی با شکوه بسیار به باشد و در آن ملائکه الهی به شادمانی و سرور و درخت طوبی به درافشانی پرداختند؛ چنانکه ختمی مرتبت(ص) به ام‌ایمن فرمودند: "قسم به آنکه مرا به پیامبری(ص) برگزید و رسالت را مخصوص من گردانید، پرودگار آن هنگام که فاطمه(س) را برای علی(ع) تزویج فرموده و ملائک مقرب خود را امر کرد تا در گرد عرش او جمع شوند، در میان این فرشتگان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل نیز بودند، آن‌گاه به پرندگان امر فرموده تا نغمه‌سرایی نمایند و سپس درخت طوبی را فرمان داد تا بر آنان لؤلؤ شفاف و درخشانده ... بیفشاند" (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۵۴).



حضرت فاطمه(س) تنها یادگار پیامبر(ص) می باشد که خواستگاران زیادی داشته که فکر می کردند به واسطه ی مال و دارایی یا جایگاه اجتماعی شان می توانند همسر ایشان باشند اما تقدیر الهی چنین نگاشته شده بود که حضرت زهرا و حضرت علی(ع) در کنار یکدیگر بوده و یار و پشتیبان همدیگر باشند. شاعر در ابیات زیر به این امر اشاره نموده است:

أحببتُ صهر المصطفى و وصیّه      ذلك الملقب بالبطین الأئزع  
بعل البتول، یزفّه و یزفّها      ركبُ الملائك للمقام الأرفع ( ۱۸).

داماد مصطفی و وصی او را که ملقب به "البطین الأئزع" است، دوست دارم.  
شوهر حضرت بتول(س) که کاروان ملائک هر دوی آنها را برای زفاف به والاترین مقام بالا می برند.  
یا بعل فاطمه، و قد زوجتها      من فوق سبع، و الشهود تهلّل  
الخاطب الباری، و حور العین حو      ل العرش فی حلل السنا تتدلّل  
نور و نور زوجا، ما النور؟ قی      ل، هما، و نور کلّیها لا یأفل(۲۸).

ای شوهر فاطمه(س) در حالی که از بالای آسمان های هفتگانه ازدواج کردید و شاهدان الله اکبر می گفتند.

خداوند متعال، و حوربان سیاه چشمی که پیرامون عرش در لباس های نور به ناز می خرامیدند.  
نوری با نوری دیگر ازدواج کردند، نور چیست؟ گفته شد، آن دو، و نور آن دو هرگز خاموش نمی گردد.  
معروف عبدالمجید در ابیات فوق به ماجرای نکاح علی(ع) و فاطمه(س) اشاره دارد که به فرمان الهی، فاطمه(س) در آسمان به نکاح آن حضرت درآمد. پیامبر اکرم در این زمینه فرموده است: "ای مردم! جبرئیل بر من نازل شد و مرا آگاهی داد که خداوند متعال علی و فاطمه را در آسمان ها به نکاح هم درآورده است و از فرشتگان گواه گرفت و فرمان داد تا من نیز بر روی زمین فاطمه را به نکاح علی درآورم و شما را گواه بگیرم" (سپهر، ۱۳۳۷: ۴۸/۳).

شاعر همچنین به همراهی فرشتگان در شب عروسی حضرت زهرا اشاره دارد که بنا به روایتی "پیامبر اکرم(ص) فاطمه را بر شهبای سوار کرد" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۴۳). آن گاه خود پیشاپیش جمعیت گام بر می سپرد و مردان بنی هاشم نیز پشت سر مرکب فاطمه راه می رفتند. در روایت است که "جبرئیل در سمت راست، میکائیل در سمت چپ و ۷۰۰۰ ملک در پشت سر حضرت فاطمه بودند که تا طلوع فجر خداوند را تسبیح و تقدیس می کردند" (اربلی، ۱۴۰۵: ۳۵۳).

#### ۳-۴. لیلة المبیّت

ابن هشام در ابتدای خبر هجرت، به این مطلب اشاره دارد که همه اصحاب پیامبر(ص) هجرت کردند و هر کس ماند گرفتار حبس یا فتنه شد مگر علی بن ابی طالب و ابوبکر (ابن هشام، ۱۴۱۳: ۴۸۰/۲). سپس

ماجرای خوابیدن حضرت علی(ع) در رختخواب رسول خدا در شب هجرت ایشان به مدینه و پوشیدن جامه سبز حضرمی - که به دستور پیامبر برای محفوظ ماندن علی(ع) از آسیب دشمنان بود - را آورده و در ادامه از هجوم کفار قریش در صبحگاه به بستر پیامبر(ص) و دیدن علی به جای ایشان سخن گفته است (همان: ۴۸۲).

آن گاه که مشرکان در دارالندوه گرد هم آمدند و برای قتل شبانه رسول خدا(ص) نقشه کشیدند و خداوند متعال که "خیر الماکرین" است توسط جبرئیل امین، پیامبر خود را از این توطئه آگاه ساخت، حضرت (ص) موضوع را با علی (ع) در میان نهاد که ایشان نیز با کمال میل پذیرفتند که در بستر آن حضرت بخوابند تا مشرکان از خروج ایشان از مکه آگاه نگردند. شاعر با توانمندی بالایی توانسته است این واقعه را در ابیات زیر به تصویر بکشد:

وهو الذی ملا الفراش بلیلة  
 حین القبائل أقیلت فی مجمع  
 لتتال من طه و تطعن صدره  
 شئت ید الدهماء إن لم تقطع  
 حتی إذا انبلج الصبح بنوره  
 و جدوا علیاً راقداً فی المضجع (۱۸)

او کسی است که آن گاه که قبایل در مجمعی روی آوردند، شبانه بستر خویش را گستراند. دست حوادث اگر قطع نشود، فلج باد، آنها (قبائل) آمدند تا به پیامبر (ص) دست یابند و با نیزه، سینه‌شان را سوراخ کنند.

آن گاه که صبح با نورش آشکار گشت، علی(ع) را دیدند که در بستر خوابیده است. معروف با اشاره به این واقعه به یکی از ویژگی‌های برجسته امام علی(ع) که ایثار و فداکاری آن حضرت می‌باشد اشاره کرده و فداکاری امام را در راه دفاع از اسلام و پیامبر مورد مدح قرار می‌دهد. شاعر با اشاره به لیل‌المیبت از صنعت تلمیح استفاده کرده است و واژه‌ها را آنقدر ساده اما با بار معنایی زیاد در کنار هم قرار داده به گونه‌ای که ذهن خواننده را از هرگونه ابهامی حفظ می‌کند.

### ۳-۵. شجاعت و حماسه‌های امام علی(ع)

در حدیثی در بحارالانوار از امام علی (ع) آمده است: "الله قد أعطانی ... من الشجاعة ما لو قسم علی جمیع جناء الدنیا لصاروا به شجعانا" (مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۳/۱۹).

خداوند به من داده است ... از شجاعت چیزی را که اگر در بین تمام ترسوه‌های دنیا تقسیم شود به واسطه‌ی آن شجاع می‌گردند.

از دیگر کرامات حضرت علی(ع) که در اشعار شاعران آمده، داستان جنگ خیبر - سال ۷ هجری - است که در آن رسول خدا(ص) پرچم سپاه اسلام را به ابوبکر و عمر سپرد و هر دوی آنها با شکست بازگشتند و در آن هنگام پیامبر(ص) فرمود: فردا پرچم را به دست کسی می‌سپارم که خدا و رسولش او را دوست دارد، بسیار حمله می‌کند فرار نمی‌کند و باز نمی‌گردد تا آنکه خدا فتح و پیروزی را به دست او محقق گرداند.

روز بعد پرچم را به دست حضرت علی(ع) سپرد و او حرکت کرد تا به قلعه‌ی خیبر رسید و با پهلوان یهودی «مرحب» خیبری برخورد کرده، ضربه‌ای به او وارد کرد که سرش را شکافت، سپس درب خیبر را گشود و آن را از جا کند و سپر خود قرار داد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۱۴۶-۱۱۴۸؛ خلیلی، ۱۳۷۸: ۸۷).  
شاعر در ابیات زیر با استفاده از صنعت تلمیح به ذکر حماسه‌ها و دلاوری‌های علی(ع) در جنگ‌های اسلام می‌پردازد:

و اذکره فی بدر یبارز جحفا	الجد فیہ تدرؤا بالادرع
و اذکره فی أحد، و دونک شأنها	ثبتت جوانحه و لم یتزعزع
و یخندق الأحزاب جندل فارساً	یخشاه کل مدجج و مدرع
و هو الذی فی خیبر دانت له	اعتی الحصون و أوذنت بتضعضع
وهوالذی حمل اللواء مؤذنا	فی یوم فتح بین و مشعشع (۱۹)

و او را ذکر کن در بدر که با لشکری بزرگ مبارزه می‌کرد که سراپا زره‌پوش بودند.  
و او را ذکر کن در احد که هرگز نترسید و استوار و پابرجا باقی ماند.  
و در خندق احزاب سوارکار دلیری را بر زمین افکند که هر فرد مسلح و زره‌پوشی از او می‌ترسید.  
و او کسی است که خیبر در برابرش خوار و رام شد و دژها با خواری و ذلت به او اجازه دادند.  
و او کسی است که اذان گویان پرچم را در روز فتح آشکار و درخشان (فتح مکه) حمل می‌کرد.  
و نیز در بخش دیگری از قصائد خود همین مفاهیم را تکرار می‌کند و امام را به‌عنوان نماد شجاعت به تصویر می‌کشد:

یا سیف بدر یا مقلق هامهم	سقطوا و حولهم النساء تولول
أقبلت فی أحد و غیرک أدبروا	و لووا أعتة خیلم، و تسللوا
و برزت لصندید عابر خندق	فجعلته ذکری لمن یتأمل
یا لیث خیبر، و الحصون تمنعت	فدککتها، و هوی یخر المعقل
یا رایة الفتح المظفر مکه	خرجت إلیک، کما الحیب، تهول (۲۸)

ای شمشیر بدر ای جداکننده‌ی سرهای آنان که بر زمین افتادند و زنان پیرامونشان شیون و فغان کردند.  
در احد روی آوردی و غیر از تو فرار کردند و زمام اسبانشان را کشیدند و ناپدید شدند.  
و بر پهلوان عبورکننده‌ی خندق آشکار گشتی و او را یادگار برای کسی که بیندیشد، قرار دادی.  
ای شیر خیبر! در حالی که قلعه‌ها ممانعت می‌کردند آنها را درهم کوبیدی و دژ سقوط کرد.  
ای پرچم فتح پیروزی! مکه به‌سوی تو آمد آنگونه که محبوب به‌سوی عاشق می‌دود.

شاعر در بیت نخست به شرح شجاعت امام در جنگ بدر می‌پردازد که در آن بیست و هفت نفر از مبارزین دشمن را به قتل رساند در حالی که مجموع کشته‌شدگان در این جنگ هفتاد نفر بودند. آن حضرت با دلاوری شگفت‌انگیز، پیروزی نهایی را به‌دست آورد و سرود معروف جبرئیل طنین انداخت که فرمود: «لا فتی إلا علی، لا سیف إلا ذوالفقار».

معروف به جنگ احد نیز گریزی زده است؛ هنگامی که همه جنگاوران مسلمان تلاش می‌کردند خودشان را از میدان جنگ نجات دهند و از سپاه دشمن دوری کنند، امیرالمؤمنین با شجاعت و دلاوری به میان میدان رفت و با شمشیر برنده خویش شروع به جنگاوری کرد. شاعر همچنین به ماجرای جنگ خندق و خیبر و فتح مکه اشاره کرده که چگونه علی(ع) با ضربات شمشیر خود دشمنان را از پای درآورد و به خاک مذلت نشاند.

### ۳-۶. غدیر خم

علماء و مفسرین از عامه و خاصه نوشته‌اند که پیغمبر اکرم(ص) موقع برگشتن از حجه الوداع در غدیر خم توقف نموده و پس از ایراد خطبه، به مردم فرمود: آیا من نسبت به شما اولی به تصرف نیستم؟ عرض کردند چرا! فرمود: "من کُنتُ مولاه فهذا علی مولاه"؛ "هر کس که من مولای اویم این علی مولای او خواهد بود" و بدین ترتیب آن حضرت را به ولایت و پیشوائی منصوب گردانید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۱/۳۶).

در میان وقایع اسلام، تنها واقعه‌ی غدیر است که از همان لحظات وقوع، قطعه شعری به‌عنوان سند دائمی ضمیمه‌ی آن است. شعر با وزن و قافیه‌ای که دارد مدرک ماندگاری در پرونده‌ی غدیر است که سینه به سینه حفظ شده و با توجه به اهمیت ادبی آن در کتاب‌ها ثبت گردیده است. ادبیات عرب نیز که بعد از اسلام، راهی دراز پیموده و پانزده قرن فراز و نشیب‌ها را پشت گذاشته است، خطوط روشنی را در خلال مضامین شعری خود نشان می‌دهد. یکی از این خطوط روشن، توجه به واقعه‌ی غدیر است. درباره‌ی این واقعه و مسائل مربوط به آن شاعران بسیاری شعر سروده‌اند از جمله حسان بن ثابت انصاری، صاحب بن‌عباد، سیدحمیری و غیره.

معروف عیدالمجید نیز از جمله شاعرانی است که مسأله غدیر را به شیوه‌های زیبایی بیان کرده و با بیان رسا و کلمات محکم این واقعه را به رشته نظم در آورده و آن را جاودانه ساخته و به تفسیر و توضیح آن همت گماشته است و در این باره براهین زیادی در قالب‌های مختلف اقامه کرده است. زیرا سیاسی‌ترین و مهم‌ترین حادثه‌ای که پس از رحلت پیامبر(ص) اتفاق افتاد همین مسأله‌ی خلافت و جانشینی پیامبر(ص) بود.

غدیر خم نام برکه‌ای است که در حجة الوداع، پیامبر(ص) به دستور الهی، مردم را در آن مکان گرد آورده و ولایت حضرت علی(ع) را اعلام کردند. شاعر در ابیات فراوانی به زیبایی این مسأله را بیان نموده است:

فإذا أتى يوم الغدير تنزلت	آياتُ ربك كالنجوم اللّمع
قم يا محمد، إنها لرسالة	إن لم تبلغها كأن لم تصدع
وقف الرسول مبلّغا و مناديا	في حجة التوديع بين الأربع
و أبو تراب في جوار المصطفى	طلق المحيّا كالهلّال الأروع
رفع النبيُّ يد الوصيِّ و قال في	مرأى مع الجمع الغفير و مسمع
« من كنتُ مولاه فهذا المرتضى	مولى له » فبغ يخ لسميدع!
و سعت جموع الناس من نحو أميرها	ما بين موصل الرجاء، و أقطع ... !
وصى بها موسى، و هذا أحمدُ	وصى أخاه، فذلّ من لم يبغ ...!! ( ۲۰-۱۹ )

آن‌گاه که روز غدیر فرا رسید آیات پروردگارت همانند ستارگان درخشان نازل گشت. به پا خیز ای محمد، همانا آن رسالتی است که اگر آن را انجام ندهی گویا دعوتت را آشکار نساخته‌ای. پیامبر(ص) مبلغانه و ندا دهنده ایستاد در حجة الوداع میان مردمی که از چهار جهت او را احاطه کرده بودند.

در حالی که ابوتراب (حضرت علی)، در کنار ایشان با چهره‌ای درخشان مانند هلال می‌درخشید. پیامبر(ص) دست جانشینش را بالا برد و در حضور و مقابل چشمان جمع زیادی فرمود. "هر کس من مولای اویم این مرتضی است که مولای اوست. مبارک باد بر این پهلوان و فرد شجاع (حضرت علی(ع))"

جمعیت اعم از کسانی که به آرزوی خود رسیده و کسانی که ناامید شده بودند، به سوی امیر خویش شتافتند.

موسی نیز این واقعه را سفارش کرده بود و اینک این پیامبر(ص) است که برادرش را سفارش می‌کند، پس کسی که به این امر اقرار نکند و گردن نهد خوار و ذلیل خواد بود. در این ابیات، عبدالمجید ضمن به تصویر کشیدن روز غدیر و بیان جزئیات آن، واقعه غدیر و بالا بردن دست علی(ع) توسط پیامبر را یادآوری کرده و به حدیث معروف «من كنت مولاه و هذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲/۴) اشاره می‌کند و منکران این ولایت را خوار و ذلیل معرفی می‌کند.

مشابه همین مضمون در جایگاه‌های مختلفی از دیوان این شاعر شیعی به چشم می‌خورد:

و هو الوزير، هو الوصى، هو الخلى  
 فة، و الأمير، هو الإمام الأعدل  
 من ظلّ فى بيت الرسالة قائماً  
 لما أغاروا بالسيوف و أقبلوا  
 عادوا و قد عميت قلوبهم التى  
 ضلت و باتت فى الضلالة توغل (۲۷).

و او وزیر و وصی و خلیفه و امیر و امام عادل است.  
 کسی که پیوسته در خانه‌ی رسالت بود آن گاه که دیگران با شمشیر روی آوردند و غارت کردند.  
 بازگشتند در حالی که قلب‌هایشان که پیوسته گمراه گشته و در گمراهی غوطه‌ور بود، کور شده بود.  
 شاعر در ابیات فوق ضمن اشاره به اخوت و برادری بین پیامبر و علی(ع) و تلمیح به لیله‌المیبت، بر  
 خلافت و وصایت امام علی(ع) نیز اشاره می‌کند. در حقیقت او با شعر غدیر فقط یک واقعه را تصویر  
 نمی‌کند، بلکه یک معرفت را تفسیر می‌کند و به تبیین یک حقیقت می‌پردازد.

و خُصِّصَتْ فى يوم الغدير بآية  
 أنت الولي، و من سواك معطلٌ  
 شهد الحجيج بها، فكيف تؤول؟!  
 عنها، و إجماع السقيفة يبطلُ  
 و نبیهم - من دون دفن - مُهْمَلٌ ... ؟ ( ۲۸ ).  
 این الشهامة و الدماتة و الندی

و در روز غدیر آیه‌ای به تو مختص گشت که تمام حجاج شاهد آن بودند، پس چگونه این واقعیت را باز  
 می‌گردانند و توجیه می‌کنند؟  
 ولی و رهبر واقعی تو هستی و غیر از تو از آن بی بهره گشته و اجماع اهل سقیفه باطل و بیهوده است.  
 شهامت و خوشخویی و بخشش کجاست، که پیامبر آنان بدون تدفین رها شده است(قبل از تدفین پیامبر  
 به فکر خلافت افتادند).

در ابیات فوق شاعر برای اشاره به واقعه غدیر با صراحت به آیه تبلیغ استناد کرده است که در شأن و  
 فضیلت علی(ع) نازل گشته است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ  
 رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/ ۶۷).

او بر این باور است که نعمت دین با ولایت و امامت علی(ع) کامل می‌شود، از همین رو چنانچه  
 می‌بینیم، در اثبات حقانیت ولایت، به قرآن تاسی کرده و در تأیید کلام خود واژه‌ها و عبارتی از این کتاب  
 آسمانی را اقتباس می‌کند. وی با اشاره به ماجرای سقیفه و رد و نکوهش آن، بر ولایت‌مداری خود صحه  
 می‌گذارد.

او همچنین مدعیان خلافت را مورد سرزنش قرار می‌هد که قبل از تدفین پیامبر(ص)، بر سر خلافت با  
 هم به نزاع برخاستند.

وضوح و روشنی تصاویر و اجتناب از رموز و پیچیدگی از ویژگی‌های برجسته زبان شعری معروف  
 عبدالمجید در این اشعار به‌شمار می‌آید؛ لذا در جای‌جای این اشعار با تصریح به ذکر اهل بیت و ائمه

آشکارا عشق و دلدادگی خود به آنها را ابراز می‌کند. چه بسا زندگی در محیط شیعی ایران و فضای باز این دیار این امکان را برای شاعر مهیا کرد تا از زبان رمز و نماد دوری کند؛ بدین منظور در این ابیات آشکارا ارادت خود را به امام علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر را ابراز می‌کند:

لَا تَحْسَبِي أَنِّي جَفَوْتُ، وَإِنَّمَا  
أَثَرْتُ أَنْ أَنَسِي هَوِيَّ لَمْ يَنْتَفِعْ  
وَقَصَدْتُ وَجَهَ أَحِبَّةٍ فِي حُبِّهِمْ  
هَامَ الْخَلَائِقُ فَأَعْدِلْنِي أَوْ دَعَى  
أَحْبَبْتُ صَهْرَ الْمُصْطَفَى وَ وَصِيَّهُ (۱۸)

گمان مبر که من جفا کرده‌ام، چراکه ترجیح داده‌ام عشق بی‌فایده را به فراموشی بسپارم و دل به عشق افرادی ببندم که کائنات همگی شیفته دلدادگی آنانند، حال چه مرا سرزنش کنی و چه رهایم سازی، برایم فرقی نمی‌کند من عاشق داماد مصطفی و جانشین او هستم.

لازم به ذکر است که این شعر خود می‌تواند سندی تاریخی از وقایع و حوادث دوران امام علی(ع)، قهرمانی‌ها و رشادت‌های ایشان و دلایل متقن و محکمی بر ولایت و امامت آن حضرت باشد، چرا که این ابیات به ولادت امام(ع)، ایمان و اسلام آوردن آن حضرت و پیشگامی ایشان در پذیرش اسلام و مسأله هجرت، جریان لیلۃ المبیت، ماجرای غدیره ... اشاره دارد. او در بیان مدح امام علی(ع)، وی را به عنوان سلاله ائمه(ع) و مرکز ثقل امامت معرفی می‌کند، کسی که بدون وجودش امامت تحقق نمی‌یافت. بدین ترتیب به اعتقاد شاعر سلسله امامت از امام علی(ع) آغاز و به امام زمان(عج) ختم می‌شود:

أَنْتَ الَّذِي شَرَعَ الْأَمَامَةَ فَاتِحاً طُوبَى لَكُمْ مِنْ خَاتِمِ أَوْ شَارِعِ (۲۰)

تو همان کسی هستی که امامت را آغاز کردی. احسنت و آفرین بر آغازگر و پایانگر امامت از میان شما.

### ۷-۳. منزلت امام علی(ع)

امیرالمؤمنین(ع) در درگاه حق، چنان منزلتی دارد که حتی ملائکه آسمان درود و تحیت خود را نثار ایشان می‌کنند، که نشأت گرفته از فضایل اخلاقی و انسانی آن حضرت است. خداوند متعال در شأن او فرمود: (لا فتى إلا على) (طبری، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۰۲۷) و نیز ملائکه و پیامبر گرامی اسلام(ص) و شاعران فراوانی در باره ایشان سخن گفته‌اند. معروف عبدالمجید نیز از قافله عقب نمانده است و در ابیات فراوانی به منزلت والای ایشان اشاره نموده است:

و هو المراد بقوله «كرم وجهه» قُصِرَتْ عَلَيْهِ وَ مَالَهَا مِنْ مَدْعَى (۱۸)

او مراد از سخن « کرم وجهه » است که تنها مختص اوست و مدعی دیگری ندارد. شاعر ادعا می کند که در مدح حضرت (ع) گنگ و ناتوان است البته تعجبی ندارد زیرا مقام ایشان از ستاره جوزاء نیز بالاتر رفته و اگر تمام شاعران جمع گردند نیز از مدح ایشان عاجزند:

مهما مدحتک یا علی، فالکنُ و مُقصر فی الحق، مهما ادعی  
من جاوز الجواز، یعجز دونه مثلی و أهل الشعر لو جُمعوا معی ( ۲۰ )

یا علی! هر چند تو را مدح کردم، همچنان الکن هستم و نتوانسته‌ام همان گونه که ادعا می‌کنم، حق مطلب را ادا نمایم.

کسی که از ستاره جوزاء هم بالاتر است، من و اهل شعر اگر جمع شوند در مقابل او عاجزند.

أنت الشهاب، أبو الشهاب و کلکم شهب تحلق فی الفضاء المهیع  
أنت الأمير، أبو الأمير و کلکم أمراء عزّ فی زمان الخُنع ( ۲۲ )

تو شهاب هستی، پدر شهابها و تمام شما شهاب‌هایی هستید که در فضا چشم‌ها به شما خیره می‌شوند. تو امیری، پدر امرا و تمام شما امیران عزت و بلندی در زمان پستی هستید. شاعر حضرت علی(ع) را متصف به صفاتی می‌بیند که ایشان را از انسان عادی برتر قرار داده، به مرتبه الهی بالا می‌برد و این گونه او را خطاب می‌کند:

فَهَلْ أَنْتَ يَا مَوْلَى عَلِيًّا... / بَشْرٌ حَقًّا... أَمْ أَنْتَ إِلَهٌ...!! ( ۹۷ )

پس تو ای علی، ای مولای من، آیا واقعاً بشری یا خدا؟

شاعر همچنین در ابیات زیر به حادثه تاریخی « رد الشمس » اشاره می کند که خود یکی از کرامات امام علی(ع) و دلیل بر فضیلت و برتری او از نظر شاعر قلمداد می شود. در زمان حیات پیامبر(ص) در مکه به هنگام عصر پس از نزول وحی بر پیامبر(ص)، بر ایشان حالت غشی عارض گشت و ایشان سر خویش را بر دامن حضرت علی(ع) قرار داد و در این حال بود که خورشید غروب کرد و علی(ع) تمام این مدت از جایشان برنخاستند، در این هنگام پیامبر به هوش آمد و فرمود: خدایا علی(ع) در اطاعت تو بود (به‌خاطر اطاعت از دستور تو این کار را انجام داد) پس خورشید را برگردان تا نماز عصرش را به‌جای آورد پس خداوند خورشید را برگرداند تا علی(ع) نماز خواند سپس غروب کرد.

معروف عبدالمجید که از عاطفه‌ای صادق و زبانی صریح برخوردار است، در ابراز تشیع و گردن نهادن به ولایت حضرت علی(ع) نیز از این سلاح بهره می‌برد و بدون هیچ ترس و واهمه و یا ملاحظه‌ای، آشکارا دم از این ولایت و تشیع می‌زند:



شایعتٌ من رُدَّتْ له الشمس التي رُدَّت - إذا حلَّ الغروب - ليوشع (۲۳).

من پیرو کسی هستم که خورشید برای او بازگشت و غروب نکرد، همان گونه که برای یوشع نبی هم از غروب کردن باز ایستاد.

شاعر در بیت دیگری از عشق خویش به کسی می‌گوید که قرآن در مورد ایشان نازل شده که به سوره‌ی «هل أتى» اشاره دارد:

و أنا الذى عشق الذى فى شأنه الاى فاضت و الكتاب المنزل ... ( ۲۶).

من همانم که عاشق کسی گشتم که آیه‌ها و کتاب قرآن در بیان شأن و منزلت او نازل شده است. در بیت دیگری شاعر از جایگاه والای علی(ع) سخن گفته که کسی غیر از پیامبر(ص) از ایشان برتر نیست:

ما حزت من حظٍ عظیم فى العلاء ما حازه إلا نبی مرسلٌ .... ( ۲۷).

از چنان شأن و بزرگی برخوردار هستی که کسی جز پیامبر(ص) از آن برخوردار نیست. در ابیات دیگری شاعر ایشان را با عناوین مختلف ندا قرار می‌دهد و به بزرگی و منزلت والا و خصلت‌های برجسته ایشان اشاره می‌کند:

يا صاحب الأعراف، و النجوى، و سو	رة هل أتى، يا عالياً لا يسفلُ
أنت الصراط المستقيم، و من يحيى	د عن الصراط مكابر و مضللُ
يا أيُّها السفر المبين، و من له	علمُ الكتاب، و جلَّ من لا يبخل
لم أخلق فضلاً، و لكن أنزلت	سورة الكتاب به، و عزَّ المنزل ( ۲۹-۳۰)

ای صاحب بهشت و نجوی و سوره هل أتى، ای والایی که نزول نمی‌یابی. تو راه درست هستی و کسی که از این راه منحرف شود، زورگو و گمراه است. ای کتاب مبین و صاحب علم قرآن و کسی که بخل نمی‌ورزد و بزرگ است. فضل را دروغ نمی‌یافم و سوره قرآن در مورد او نازل شد و جایگاهش عزیز است.

### ۳-۸. طلب شفاعت از امام علی(ع)

یکی از مسائلی که در شعر مدح نمود و جایگاه بارزی دارد، طلب شفاعت از ممدوح می‌باشد. توسل و شفاعت‌خواهی همواره یکی از مضامین عمده مدح اهل بیت(ع) بوده که غالباً مدیحه‌سرایان پس از ستایش ممدوح، قصاید خود را بدان متبرک نموده، و شفاعت حضرتش را به‌عنوان پاداش اظهار ادب و ارادت خویش قلمداد کرده‌اند.

در مورد مسأله‌ی شفاعت به جز ابن تمیمیه، امام و فقیه مذهب حنبلی، که بسیاری از اصول و سنت‌های مسلمانان، از جمله شفاعت را مورد انکار قرار داده، وهابیان که شفاعت اولیای خدا را در دنیا منکر شده‌اند؛ هیچ یک از علمای اسلام و مذاهب گوناگون در آن تردید روا نداشته و آیات و روایاتی که در آن لفظ شفاعت آمده است، به معنای دعا و توسل تعبیر و تفسیر نموده‌اند (اختری، ۱۳۸۵: ۵۳ و ۵۴).  
معروف عبدالمجید نیز تشنه شفاعت مولای خویش است؛ او از ممدوح می‌خواهد که در روز قیامت شفیع وی باشد.

القلب ضاق بقیحه و جراحه      و العینُ کمهأ بفیض الأدمع  
فإذا شکوتُ، فللذی یشکی علیه      و إذا فرغتُ، فحیدرُ هو مفزعی  
و هو الملاذ إذا المقابرُ بُعثرت      و سُئلت: هل من شافع و مشفع ...؟! (۲۲)

قلب با زخم بی‌خون و خون‌دارش تنگ شد و چشم به‌واسطه‌ی ریزش گریه همانند چشم بچه آهو شده است.

آن‌گاه شکایت کردم، پس تو کسی هستی که شکایت به او برده می‌شود و و آن‌گاه که ترسیدم، پس حیدر پناه‌گامم است.

و آن‌گاه که از قبرها بیرون می‌آیند (روز قیامت) و سؤال شود: شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده کیست؟ او پناه‌گاه است.

شاعر برای دلنشین شدن و تأیید اشعارش از آیات قرآنی نیز الهام گرفته است. در قصیده‌ی دیگری امام علی(ع) را برای خود کافی می‌داند و امیدوار است که به‌واسطه عشق به وی، در قیامت بخشیده شود:

حسی علی مؤثلاً یوم الزحاه      م، إذا دعا الداعی و عزّ الموثلُ  
فإذا وجدتُ صحیفتی مسودةً      و علمت أن السیئات الأثقلُ  
نادیت من أحببته متحسراً      و دموع عینی فی خشوع تهطل  
فلعله یمحو الذنوب بحبه      و العفو من عند الحیب مؤملٌ.... (۳۰)

در قیامت و هنگام فراخوانی علی(ع) برایم کافی است و چه بزرگ پناه‌گاهی است.

آن‌گاه که نامه‌ام را سیاه یافتم و دانستم که گناهان سنگین شده است.

با تحسر کسی را که دوست داشتم ندا کردم در حالی که اشک‌های چشمم با خشوع فرومی‌ریخت.

شاید که به‌واسطه‌ی عشقش گناهان را محو کند و عفو در نزد محبوب مورد آرزوست.

### ۳-۹. شهادت حضرت علی(ع)

حضرت علی(ع) در ۲۱ رمضان سال چهارم هجری در اثر ضربه ابن ملجم مرادی به شهادت رسیدند. (کمپانی، ۱۳۷۶: ۲۱۱) ایشان اولین شهید محراب هستند که این فضیلت در کنار تولد در کعبه ایشان را صاحب ارج و ارزش ویژه‌ای نموده است.

شاعر غم و اندوه خویش را از شهادت حضرت بیان داشته و زخم ایشان را بالاتر از هر زخمی می‌داند. وی، امام علی(ع) را شیر مردان جنگ دانسته که اکنون دچار ضربه‌ای از جانب فرد خونریزی گشته است. او غم و اندوه شهادت ایشان را دائمی می‌داند:

جرحی و جوحک یا علی کلاهما	جرح، .... و جرحک فاق کلّ جراحی
صمتت جراحی، و انحمت أصدائها	لکن جرحک دائم الإنصاح
یا صاحب الفتکات یا لیث الوغی	یا منْ دُهِیتَ بضربة ابن السفاح
و احرق قلبی یا علیّ مآتمی	لن تنتهی طول المدى و نواحی .... ( ۷۸ )

یا علی! زخم من و زخم تو یکی است در حالی که زخم تو بر تمام زخم‌هایم برتری یافت. زخم‌هایم سکوت کردند و پژواک آنها خاموش گشت؛ اما زخم تو دائماً آشکار است. ای صاحب دلیری! ای شیر جنگ! ای کسی که به ضربه‌ی پسر فردی خونریز دچار شدی. یا علی! قلبم آتش گرفت و ماتم‌ها و نوحه‌هایم با گذشت زمان هرگز پایان نخواهد یافت.

### نتیجه‌گیری

معروف عبدالمجید، شاعر معاصر شیعی است که بخش اعظمی از اشعار وی تجلی‌کننده زندگی، فضائل ائمه(علیهم‌السلام) و به صورت خاص درباره‌ی حضرت علی(ع) است. چنان که هر انسان مشتاقی با یک بار خواندن دیوان او با بسیاری از زوایای زندگی ائمه اطهار و به‌ویژه مولا علی(ع) آشنا می‌گردد. شاعر با ذوق شعری خود، که عشق به علی(ع) و اولاد معصومش آن را شعله‌ور کرده است، فضایل و مناقب آن حضرت را بسیار زیبا و جذاب به تصویر کشیده و در واقع پاسخی به ندای درونی خود داده که مبین ایمان و عقیده‌ی راسخ شاعر است. وی به ولادت، اسلام آوردن و ازدواج آن حضرت(ع) اشاره نموده است. شاعر لیلۃ‌المبیت را به‌خوبی نمایان ساخته و به ذکر حماسه‌ها و دلآوری‌های ایشان در جنگ‌های اسلام پرداخته و منزلت ایشان را بسیار والا دانسته و از ایشان طلب شفاعت نموده است. غدیرخیم یکی از بارزترین جلوه‌های زندگی امام(ع) است که در شعر معروف عبدالمجید چون نگینی بر تارک درون‌مایه‌های شعری وی می‌درخشند.

زبان شاعر به‌ویژه در مقام مدح، زبانی روان و صریح است و از ابهام و پیچیدگی به دور بوده و توانسته در عین شیوایی لفظ و متانت اسلوب، در هر دو سبک شعر کلاسیک و شعر نو موفق ظاهر شود. به‌نظر

می‌رسد زندگی در محیط شیعی ایران و فضای باز این دیار این امکان را برای شاعر مهیا کرده تا از زبان رمز و نماد دوری کند؛ بدین‌منظور در اشعار خود آشکارا ارادت خود را به امام علی(ع) به‌عنوان جانشین پیامبر ابراز می‌کند. وی در اثبات حقانیت ولایت علی(ع)، به قرآن تأسی کرده و در تأیید کلام خود واژه‌ها و عباراتی از این کتاب آسمانی را اقتباس می‌کند که خود نشانگر آن است که شاعر با فرهنگ و معارف اسلامی همدم بوده و به‌گونه‌ای بارز دست مایه هنرش را با آیات قرآنی غنایی خاص بخشیده است.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی دکتر سیدجعفر شهیدی.
- ابن شهر آشوب، رشیدالدین (بی تا)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: انتشارات علامه.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
- ابن هشام، عبدالملک ( ۱۹۹۹م)، *السیرة النبویة*، بیروت: دارالکتب العربی.
- اختری، طاهره (۱۳۸۵)، *سیمای پیامبر(ص) در شعر شوقی*، مجله‌ی دانشکده‌ی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۷۷.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵)، *کشف الغمة*، بیروت: دارالاضواء.
- امینی، علامه عبدالحسین احمد (۱۹۹۴)، *الغدیر فی الکتاب و السنه*، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- بوصیری، محمد (۱۳۶۱)، *برده*، ترجمه محمد شیخ الاسلام، تهران: صدا و سیما.
- جرجانی، علی بن محمد (۲۰۰۳)، *التعريفات*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جعفری، حجت الله (۱۳۸۰)، *مضامین سیاسی در شعر سیدحمیری*، اهواز: دانشگاه شهیدچمران.
- الحموی، یاقوت (۱۹۹۳)، *معجم الأدباء*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- خلیلی، محمد علی (۱۳۷۸)، *زندگانی حضرت علی(ع)*، تصحیح عباس ایمانی، چاپ هفتم، تهران: اقبال.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- زبیدی، مرتضی (بی تا)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: موافق للمطبوع.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۳۷)، *ناسخ‌التواریخ*، به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی، انتشارات امیرکبیر.
- ضیف، شوقی (۱۴۲۷)، *تاریخ الأدب العربی*، چاپ دوم، قم: ذوی القربی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات پاینده.
- عربی، حسین (۱۳۹۲/۷/۲) *شیعه شدگان، علماء و روشنفکران اهل سنت شیعه می‌شوند*.  
[www.haghbaalist.blogfa.com](http://www.haghbaalist.blogfa.com)
- عبدالمجید، معروف (۱۴۲۰)، *دیوان بلون الغار بلون الغدیر*، چاپ اول، قم: مرکز الأبحاث العقائدیة.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۱)، *فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت*، ترجمه حسین فریدونی، چاپ چهارم، قم: نشر آفاق.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶)، *شرح منظومه ظهر (نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز)*، چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- کمپانی، فضل الله، (۱۳۷۶)، *علی کیست*، چاپ هجدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مختاری، قاسم (۱۳۸۴)، *میراث ماندگار ادب شیعی، چاپ اول*، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.